



118

Vol. 31
Spring 2022
P.P: 103-135

Research Paper

Received:
2021-04-19
Revised:
2021-06-21
Accepted:
2022-05-30
Published:
2022-6-17

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971



The Geopolitical Goals of the Zionist Regime's Policy of Iranophobia

Hossein Mehdian^{1*} | Jalal Turkashvand² | Mehdi Alinezhad³

Abstract

Ranophobia is a strategic project that seeks to present Iran as a major threat to the region as well as to world peace and security, so as to weaken and tarnish Iran's image in the public opinion of the region and the world. The present article tries to analyze and study the Zionist regime's policy of Iranophobia towards the nuclear program of the Islamic Republic of Iran from a geopolitical perspective. The present article tries to analyze the Zionist regime's Iranophobia policy towards the nuclear program of the Islamic Republic of Iran from a geopolitical perspective. For this purpose, after analyzing the theoretical concepts and findings of the research, the goals, the policy of Iranophobia of the Zionist regime in relation to the nuclear program of the Islamic Republic of Iran has been analyzed. The findings of the study clearly show that the adoption of the Zionist regime's policy of Iranophobia is in line with the goals: Turning the minds of the international community away from the new territorialization of the Zionist regime 2- Isolating the Islamic Republic of Iran 3- Concerns about nuclear Iran 4- Persuading the United States to put pressure on Iran 5- Taking advantage of the United States and Western countries In order to expand the geopolitical realm 6- Cover up its military nuclear program 7- Internal political rivalries of the Zionist regime 8- Create convergence in the internal society of Israel. Therefore, the Zionist regime's core is a approach to covering the internal problems of the regime, pressure on Iran, gaining support for the continuation of occupation, geopolitical sophistication and putting Islamic countries against the Iranians.

Keywords: onist Regime; Iranophobia; Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran.

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Imam Ali University, Tehran, Iran

Drhosseinrozbeh@chmail.ir

2. Ph.D. in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Imam Hussein University of Officers, Tehran, Iran

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.4.1





اهداف ژئوپلیتیکی سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی

حسین مهدیان^۱ | جلال ترکشوند^۲ | مهدی علینژاد^۳

چکیده

ایران‌هراسی پروژه‌ای راهبردی است که در پی مطرح‌ساختن ایران به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای منطقه و هم‌چنین برای صلح و امنیت جهانی است، به‌طوری که باعث تضعیف و تخریب چهره ایران نزد افکار عمومی منطقه و جهان گردد. مقاله حاضر تلاش دارد تا از منظر ژئوپلیتیکی، سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را تحلیل و بررسی نماید. بدین منظور پس از واکاوی مفاهیم نظری و یافته‌های تحقیق، اهداف، سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی به‌ترتیب در راستای اهداف زیر صورت گرفته است: (۱) دورساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای، (۲) در انزوا قراردادن ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت، (۳) نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا، (۴) متقاعدکردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای، (۵) گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی، (۶) سرپوش‌گذاشتن بر برنامه هسته‌ای نظامی خود، (۷) استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی و (۸) ایجاد همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی. بنابراین ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی رویکردی در راستای سرپوش‌گذاشتن بر مشکلات داخلی این رژیم، فشار به ج.ا.ایران، جلب حمایت برای تداوم اشغال، قلمروزیایی ژئوپلیتیکی و قراردادن کشورهای اسلامی در مقابل ج.ا.ایران است.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی؛ ایران‌هراسی؛ برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران.

Hmahdian1358@gmail

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران

۲. دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استادیار، دانشگاه افسری امام حسین(ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.4.1



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

رژیم صهیونیستی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و به‌خصوص پس از سقوط صدام، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان دشمن طراز اول منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی برای موجودیت خود تلقی و شناسایی و جنگ دیپلماتیک و تبلیغاتی همه‌جانبه خود را علیه این نظام آغاز کرده است. بر همین اساس عمده فعالیت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در پیش‌برد این پروژه در دو بعد ایران‌هراسی غربی و ایران‌هراسی عربی صورت گرفته است. در واقع این بدان معناست که پروژه ایران‌هراسی به‌وسیله تبلیغات سنگین رسانه‌ای و ایجاد عملیات روانی از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای غربی، علاوه بر غرب، در حوزه کشورهای عربی و کشورهای اسلامی منطقه نیز گسترش یافته و با مانور سیاسی بسیار بالایی در رسانه‌ها و شبکه‌های عربی نیز در حال پیگیری است. ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با اجرای پروژه ایران‌هراسی و ایجاد ترس در بین کشورهای منطقه و با هدف ایجاد شکاف و اختلاف در جهان اسلام مطرح کرده و مورد تأکید و برجسته‌سازی قرار داده‌اند.

سران رژیم صهیونیستی نیز در راستای تشریک مساعی با حامیان خویش، تلاش‌های فراوانی را در این زمینه انجام داده‌اند، به‌نحوی که «شیمون پرز» رئیس‌جمهور اسبق این رژیم در رابطه با مسأله ایجادشده بین مصر و حزب‌الله اظهار داشت: «دیر یا زود جهان می‌بیند که ایران سعی دارد همه خاور نزدیک را به چنگ بیاورد» (Parsi, 2020).

در این میان یکی از زمینه‌هایی که در راستای تحقق «پروژه ایران‌هراسی» از آن استفاده بیشتری شده و رژیم صهیونیستی تولید آن را برعهده گرفته است، پروژه «ایران‌هراسی هسته‌ای» است. رژیم صهیونیستی، سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای را هم‌سو با سیاست‌های آمریکا - از ابتدای شروع بحران هسته‌ای ایران - جهت محدود کردن راهبردی هرچه بیشتر ایران، مطرح کرده است. اسرائیل از هر فرصتی برای نشان‌دادن چهره‌ای نامطلوب از ایران در صحنه جهانی استفاده می‌کند و برای این فرصت‌طلبی، هیچ‌گونه واژه‌ای نیز از نتایج احتمالی ندارد. اسرائیل با بهره‌گیری از رسانه‌ها با دستور کار ایران‌هراسی تلاش دارد این موضوع را القا نماید که برنامه هسته‌ای ایران ممکن است رقبای سنی را تحریک کند تا در همان مسیر حرکت کنند و یک خاورمیانه با تسلیحات هسته‌ای،

یک نگرانی جدی برای کل جامعه بین‌المللی بوده و خواهد بود که هدف آن، افزایش ترس و وحشت از ایران در ذهن مردم این جوامع تا جایی است که مردم، دولت‌ها را تحت فشار اقدام مناسب علیه ایران قرار دهند (Lamarque, 2020: 3-4). سیاست‌مداران رژیم صهیونیستی با ایجاد عملیات روانی، تلاش فراوانی در این زمینه به‌عمل آورده‌اند تا ضمن جلوگیری از پیشرفت ایران در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، زمینه شکل‌گیری فشار بیشتر بر ایران در پرونده هسته‌ای را از سوی جامعه جهانی فراهم آورند. صهیونیست‌ها با تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای، دست به ساخته و پرداخته کردن اتهامات بی‌پایه و اساس در مورد مقاصد و اهداف نظامی ایران از این برنامه صلح‌آمیز زده‌اند و به‌رغم سابقه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، کارزار گسترده‌ای برای تکمیل پروژه ایران‌هراسی هسته‌ای و نشان‌دادن ایران به‌عنوان کشوری که تهدیدی برای ثبات منطقه و صلح و امنیت بین‌الملل است، به راه انداخته‌اند. علاوه بر اقدامات سیاسی - رسانه‌ای، رژیم صهیونیستی در یک دهه اخیر به‌صورت آشکاری به اقدامات تروریستی مانند ترور دانشمندان برجسته هسته‌ای و تلاش برای ایجاد اختلال در برنامه هسته‌ای ایران روی آورده است (Vatanka, 2020: 6).

این درحالی است که جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری نیست که برنامه هسته‌ای (صلح‌آمیز) دارد و فهرست بلند بالایی از کشورهای دارای برنامه هسته‌ای را می‌توان برشمرد. کشورهای آرژانتین، آلمان، آمریکا، اسپانیا، انگلیس، اسلوانی، هند و ... از جمله کشورهایی هستند که رسماً در زمینه هسته‌ای (نظامی و غیرنظامی) فعالیت می‌کنند و خود رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورها بی‌آنکه مطرح شوند، برنامه‌های پنهان هسته‌ای نظامی دارند. با وجودی که ایران از قدیمی‌ترین کشورهای عضو پیمان عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) است، تعهدات پیمان در عدم انحراف هسته‌ای را رعایت کرده و صرفاً به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای مشغول بوده؛ و در مقابل، رژیم صهیونیستی عضو این پیمان نبوده و هیچ نظارتی و بازرسی بر برنامه هسته‌ای این رژیم وجود ندارد (Mauriello, 2021: 12)، دچار فضای سنگین تبلیغاتی ساخته‌شده توسط سیاست‌مداران و رسانه‌های صهیونیستی و آمریکایی شده است و در نتیجه آن فضا سازی‌ها، پرونده فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ج.ا.ایران، به‌عنوان موضوعی امنیتی مطرح و به شورای امنیت سازمان ملل ارسال گردید. ایران‌هراسی هسته‌ای و اعمال فشارهای همه‌جانبه بر ج.ا.ایران در حالی صورت

گرفته که مقام معظم رهبری و سایر مسئولان بلندپایه ج.ا.ایران در مقاطع مختلف، ادعای تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای را تهمت و دروغ ناروا علیه نظام اسلامی برشمرده و همواره چنین ادعاهایی را رد نموده‌اند. دستگاه‌های اطلاعاتی غرب به‌ویژه شانزده نهاد اطلاعاتی آمریکا و هم‌چنین بازرسی‌های سرزده و غیرمترقبه توسط آژانس انرژی هسته‌ای، هیچ مدرکی مبنی بر انحراف مواد شکاف‌پذیر در ایران به‌سمت تسلیحات هسته‌ای ارائه ندادند. به‌علاوه، ایران در بالاترین سطح سیاسی- مذهبی، با همه سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای، مخالف است (Mousavian, 2018:5).

اما مسئولان رژیم صهیونیستی در راستای «پروژه ایران‌هراسی هسته‌ای»، همواره خواستار اقدام شدیدتر جامعه جهانی علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شده‌اند و از کشورهای مختلف خواسته‌اند تا اقدامات بیشتری را علیه برنامه‌های هسته‌ای انجام دهند. درحالی که غصب سرزمین فلسطین و اشغال بخش‌هایی از کشورهای همسایه توسط رژیم صهیونیستی زمینه ناامنی منطقه را فراهم آورده و این رژیم تنها دارنده سلاح هسته‌ای در منطقه است (Mottus, 2019:2)، مسئولان این رژیم به‌صورت مکرر بیان نموده‌اند که نگران تهدید حکومت ایران برای امنیت و صلح منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای هستند و علاوه بر تهدید خواندن ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی و به‌خصوص برای حیات اسرائیل، از کشورهای مختلف و به‌خصوص آمریکا و اعضای شورای امنیت خواسته‌اند اقدامات بیشتری از جمله تداوم تحریم‌های اقتصادی و متوقف کردن تمامی روابط تجاری با ایران را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران انجام دهند. هرچند فضای ایران‌هراسی هسته‌ای اسرائیل پس از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بین ج.ا.ایران و ۵+۱، تا حدودی تعدیل شده بود؛ اما پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و روی کار آمدن «دونالد ترامپ» که نگاه و رویکردی ضدایرانی داشت این تلاش‌ها رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و به خروج آمریکا از برجام و تشدید فشارهای بین‌المللی علیه ج.ا.ایران منتهی شد و به‌نظر می‌رسد در دولت جدید آمریکا (از ژانویه ۲۰۲۱ به بعد) نیز این روند تشدید شود از این‌رو، این پژوهش در پی بررسی و تحلیل علمی اهداف ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی برای در یس گرفتن سیاست «ایران‌هراسی هسته‌ای» است.

درخصوص اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه تلاش‌ها و تبلیغات ایران‌هراسانه رژیم صهیونیستی و جهان رسانه‌ای تحت نفوذ آن‌ها، می‌تواند به‌نحو مؤثری در شکل‌دهی یا تغییر نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها نسبت به ج.ا.ایران در منطقه و جهان تأثیرگذار باشد، تحلیل علمی اهداف و مقاصد این رژیم برای در پیش گرفتن سیاست «ایران‌هراسی» و به‌خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای»، ضروری به‌نظر می‌رسد و با عنایت به اینکه مطالب غیرعلمی در کنار و پیرامون موضوع منتشر می‌گردد، اهمیت تبیین علمی این سیاست پیش از گذشته آشکار می‌گردد. این تحقیق به‌دنبال پاسخ به این مسأله اصلی است که اهداف ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی برای درپیش گرفتن سیاست «ایران‌هراسی هسته‌ای» کدامند؟

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- سازه‌انگاری

سازه‌انگاری یا برسازندگرایی^۱، یکی از نظریات مهمی است که از اوایل دهه ۱۹۹۰م وارد حوزه روابط بین‌الملل شد. تئوری سازه‌انگاری متعلق به مناظره چهارم در روابط بین‌الملل است که براساس دیدگاه اجتماعی شکل گرفته است. طبق این رویکرد، سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد و نظام بین‌الملل، هم‌چنین هنجارها و قواعد، اساس بازی را شکل می‌دهند (رستمی، ۱۳۹۰: ۱۲).

این نظریه که در مقابل نظریه مادیت‌گرای جریان اصلی روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد، بارد برداشت‌های خرد‌گرایانه نواقع‌گرایی، دیدگاهی منطقی - اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه داد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل کارگزار - ساختار تأکید می‌کند (عطایی و منصوری‌مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

از این منظر، سیاست بین‌الملل به‌عنوان یک برساخته اجتماعی، قلمرو اجتماعی تلقی می‌شود که ویژگی‌های آن درنهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین شود (عطایی و منصوری‌مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۱). از نظر «استیو اسمیت»، سازه‌انگاری اجتماعی به‌طور خاص برای تحلیل سیاست خارجی مناسب است، دقیقاً به این دلیل که برساختگی اجتماعی از این مفروضه

1. Constructivism

شروع می‌شود که کنشگران، جهان خود را می‌سازند و این کنشگران هستند که تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام و اجرا می‌کنند (Smith, 2011: 83-85).

اتخاذ موضع میانه یا گزینش راهی میانه، خصیصه‌ای است که بیش از هر مکتبی به کانستراکتیویسم نسبت داده می‌شود (نصری، ۱۳۸۵: ۷۳۲). مطالعات امنیتی سازه‌انگاران حد فاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش‌گرایان یا به‌طور کلی میان پوزیتیویست‌ها و پست‌پوزیتیویست‌ها قرار دارد و می‌کوشد تا این دو مجموعه را به هم وصل نماید (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

این رویه کانستراکتیویسم را قادر ساخته تا موازینی را از مکاتب و رهیافت‌های مختلف برگرفته و ضمن رد برخی پایه‌های مکاتب، بعضی موازین آن‌ها را بپذیرد. اگر مکتب رئالیسم، مادی‌گرا و مکتب ایدئالیسم معناگراست، کانستراکتیویسم راهی میانه را برگزیده که تلفیقی از آن دو باشد؛ یعنی وجوهی از برداشت مادی‌گرایانه و مواردی از برداشت معناگرایانه در آن حضور داشته باشد. اگر پوزیتیویست‌ها قائل به قابل‌شناخت‌بودن پدیده‌ها و مناسبات انسانی و طبیعی هستند و پست‌پوزیتیویست‌ها در قبال آن‌ها صف‌آرایی کرده و از غیرقابل‌شناسایی بودن حقیقت سخن می‌گویند، کانستراکتیویست‌ها باز هم موضعی میانه می‌گیرند و درباره امکان و عدم امکان شناخت حقیقت و پدیده‌ها استدلال می‌کنند. هم‌چنین اگر عقلانیت‌گرایان (شامل رئالیسم، نئورئالیسم، ایدئالیسم و نئوایدئالیسم)، از روش تبیین در تحلیل گزاره‌ها استفاده می‌کنند و پست‌مدرن‌ها از روش تفهم دفاع به عمل می‌آورند، کانستراکتیویست‌ها باز هم راهی میانه برمی‌گزینند (نصری، ۱۳۸۵: ۷۳۲). به عبارت دیگر کانستراکتیویست‌ها بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است؛ اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم، آنکه تغییر تفکر در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد. این فرض بدان معناست که چنانچه تفکر ما تغییر نماید، وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد (آقا حسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴).

سازه‌انگاران در زمینه معماهای امنیتی «موازنه قدرت» و «تنگنای امنیتی» توضیحات قابل درکی ارائه داده‌اند. اولین مسأله، موازنه قدرت است. رئالیست‌های سنتی معتقدند دولت‌ها به وسیله قدرت متوازن می‌شوند؛ اما استفن والت به‌عنوان یک نورئالیسم بیان می‌دارد که درحقیقت، دولت‌ها علیه تهدیدات متحد می‌شوند. رئالیست‌ها در اینکه دولت‌ها چگونه می‌توانند قدرت دشمن را تخمین بزنند، توانا هستند؛ اما تئوری آن‌ها نحوه درک دولت‌ها از نیت خصمانه در برابر نیت دوستانه را نشان نمی‌دهد و قادر به تبیین آن نیست. درحالی که سازه‌انگاران برای این وضعیت مفهوم هویت را مطرح می‌نمایند، توضیح سازه‌انگاران هویت، در نحوه شکل‌گیری تهدیدات و تشکیل اتحادها، قدرت تبیین‌کنندگی خوبی دارد (آقاحسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴).

درمجموع سازه‌انگاران در عرصه روابط بین‌الملل در چهار عقیده اشتراک نظر دارند. نخست اینکه، سازه‌انگاران معتقدند بازیگران و ساختارها به‌صورت متقابل ساخته می‌شوند. تعاملات بازیگران، ساختارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد و این ساختارها رفتار بازیگران را تعیین می‌کند؛ دوم، آنان معتقدند هویت و منافع، متغیرهایی درونی هستند. هویت‌ها به‌صورت مستمر از طریق تعامل بازیگران ساخته می‌شوند و منافع از طریق هویت‌های خاص سرچشمه می‌گیرد؛ سوم سازه‌انگاران قدرت را صرفاً در عوامل مادی خلاصه نمی‌نمایند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارند و چهارم، سازه‌انگاران به ارائه چارچوب مختص به خود برای تشریح تغییرات بین‌المللی همت گمارده‌اند.

سازه‌انگاران امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع، اندیشه‌ها در عرصه بازی، بتوانند تغییرات مهم ایجادشده در الگوی رفتاری را تشریح نمایند؛ حتی زمانی که توزیع قدرت هم‌چنان دست‌نخورده و بدون تغییر باقی مانده باشد (آقاحسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴). سازه‌انگاران برآنند که هویت‌ها و هنجارها می‌توانند با روابط نهادینه شکل بگیرند و تغییر پیدا کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۴).

به‌طور خلاصه باید اذعان نمود که در چارچوب رویکرد سازه‌انگاری، دولت‌ها هم‌چنان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل بوده و رفتار آن‌ها در وضعیت آشوب‌زدگی تا قبل از تعاملات اجتماعی، قابل پیش‌بینی نیست. ضمناً آنچه که رفتار دولت‌ها را دست‌خوش تعدیل می‌سازد، ساخت هویت‌ها و منافع است که به‌صورت بین‌الادّهانی ایجاد می‌شود (قوام، ۱۳۹۱: ۳۲۷).

۱-۲- موازنه قدرت

توازن قوا یکی از قدیمی‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل است. موازنه قوا پاسخی برای مسأله جنگ و صلح در تاریخ بین‌المللی ارائه می‌دهد. این قانون هم‌چنین به‌عنوان یک قانون جهانی رفتار سیاسی، یک اصل اساسی سیاست خارجی هر کشور در طول دوره‌ها است. موازنه قوا به‌صورت گسترده، به موقعیت قدرت نسبی دولت‌ها به‌عنوان بازیگران روابط بین‌الملل اشاره دارد. تأکید موازنه قوا بر قدرت و استفاده از قدرت، برای حل مشکل قدرت است. توازن قدرت بخشی از سیستم سیاست قدرت است (Tuathail, 2018: 4-6). «توازن قدرت» توازن نیرو، تعادل یا مقدار مشخصی از ثبات در روابط قدرت است که تحت شرایط مطلوب توسط اتحاد کشورهای یا دستگاه‌های دیگر ایجاد می‌شود. «توازن قدرت» سیستمی است که در آن برخی از کشورها روابط قدرت خود را بدون هیچ‌گونه دخالت قدرت بزرگ تنظیم می‌کنند (Tuathail, 2018: 4-6). موازنه قدرت به نظامی اشاره دارد که بازیگران، هویت، تمامیت و استقلال خود را از راه فرایند ایجاد توازن تأمین و حفظ می‌کنند. کشورهای شرکت‌کننده در سیستم موازنه قوا به اتحاد با کشورهای دوست متوسل می‌شوند تا ضمن حفاظت از خود، موقعیت بهتری در مقایسه با دیگران به‌دست آورند (مولایی و جانباز، ۱۳۹۵: ۶۵).

فرض‌های اصلی توازن قدرت عبارتند از

- ۱- کشوری که از توازن قوا پیروی می‌کند، آماده است در صورت اقتضای شرایط، اتحاد یا معاهدات خود را تغییر دهد.
- ۲- وقتی ملتی به این نتیجه رسید که تسلط خاصی از قدرت به‌طرز تهدیدآمیزی در حال افزایش است، برای حفظ تعادل آماده جنگ می‌شود.
- ۳- توازن قدرت فرض می‌کند که هیچ کشوری نباید در جنگ کاملاً از بین برود. جنگ فقط در جهت تضعیف قدرت ناقض توازن است و پس از جنگ، توازن جدیدی از قدرت به‌دست می‌آید. اصل اساسی توازن قدرت این است که قدرت بیش از حد در هر نقطه از سیستم، تهدیدی برای وجود دیگران است و مؤثرترین پادزهر قدرت، قدرت است (Wright, 2020).

قلمروسازی

قلمروسازی مفهومی مدرن است و به کوشش انسان برای اعمال نظارت انحصاری بر بخش معینی از فضا گفته می‌شود. قلمروسازی انسانی، تلاش برای تأثیرگذاری، نفوذ کردن، کنترل اقدامات و تعاملات (افراد-اشیاء) یا طرح ادعا و تلاش برای اجرا کردن کنترل در یک منطقه جغرافیایی است؛ خواه این تلاش‌ها را افراد انجام دهند یا گروه‌ها و در هر مقیاسی از اتاق تا عرصه بین‌المللی، این تعریف صادق است (زکی، ۱۳۹۸: ۷۹۹).

قلمروسازی یکی از مقوله‌های مهم جغرافیای سیاسی است و محور فلسفی و مبنای نظری آن را تشکیل می‌دهد. بحث قلمروسازی و فرایند شکل‌گیری آن، هرچند در جغرافیای سیاسی پیشینه ندارد، اغلب توسط سیاست‌مداران و سیاست‌سازان برای بهره‌برداری از اهداف سیاسی به کار گرفته شده است. قلمروسازی فرایندی است که بر مبنای آن افراد، گروه‌ها یا کشورهای مسلط برای کنترل و مدیریت فضای جغرافیایی، در راستای نظم سیاسی و ژئوپلیتیکی مطلوب خود، اقدام می‌کنند که در آن، از اعمال قدرت صرف (قدرت سخت) برای کنترل فضا فراتر می‌روند، طوری که کسانی که بر آن‌ها اعمال قدرت می‌شود، خود متوجه چنین فرایندی نمی‌شوند. با این تعریف قلمروسازی شامل روابط عملی میان فضا، قدرت و هویت است (افضلی، ۱۳۹۴: ۵۷۸-۵۷۷).

قلمروسازی می‌تواند جغرافیایی و ژئوپلیتیکی باشد. برخلاف قلمرو جغرافیایی که ثابت و محدود به مرزهای داخلی یک کشور است، قلمرو ژئوپلیتیکی متحرک و پویاست و از مرزهای ثابت خالی است. قلمرو ژئوپلیتیکی یعنی فضای جغرافیایی، انسان‌ها و جوامع مربوط که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، فناورانه و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. به تعبیری دیگر، کشورها، سرزمین‌ها و فضاها جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز قرار دارند، «قلمرو ژئوپلیتیکی» آن نامیده می‌شوند. نکات زیر درباره قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی اهمیت دارد:

۱- هر قلمرو ژئوپلیتیکی یک نقطه یا کانون مرکزی و یک فضای پیرامونی دارد. نقطه یا کانون مرکزی همان کشور قدرتمند منطقه است که مدیریت و رهبری قلمرو را برعهده دارد و اراده خود را بر آن فضا یا قلمرو تحمیل می‌کند (Collins, 2000).

۲- قلمروهای ژئوپلیتیکی یا حوزه نفوذ جغرافیایی یک کشور می‌تواند دربرگیرنده متغیرهای گوناگونی باشد. برای نمونه حوزه نفوذ جغرافیایی یک کشور می‌تواند چندمتغیره یا یک متغیره باشد. اگر فضای جغرافیایی یک کشور تحت تأثیر یک ارزش از کشور قطب باشد- مثلاً ایدئولوژی می‌توان گفت حوزه نفوذ یک متغیره است؛ اما اگر فضا متأثر از چند متغیر از کشور قطب باشد، قلمرو آن چندمتغیره است.

۳- قلمروهای ژئوپلیتیکی مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها را درمی‌نوردند و به عبارت دیگر، فرامرزی هستند. ارزش‌ها و مزیت‌های کشورهای در فضاهای جغرافیایی ماورای مرزهای آن‌ها انتشار می‌یابد. این انتشار هم به صورت رسمی و هم به صورت غیررسمی صورت می‌گیرد (Cohen, 1991).

۴- قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی پی‌درپی دچار پسروی و پیشروی در فضا هستند. این پسروی و پیشروی تابعی از الگوی رقابت بازیگران و کانون‌های تولید و انتشار ارزش‌ها در فضای جغرافیایی است. رقابت‌ها نیز تابعی از مناسبات قدرت میان بازیگران است. قدرت و رقابت، تعیین‌کننده میزان انقباض و انبساط فضایی قلمروهای ژئوپلیتیکی و پسروی و پیشروی مرزهای ژئوپلیتیکی است. با توجه به اینکه الگوهای رقابت و مناسبات قدرت پویا هستند، هم‌چنین بازیگران پیوسته در تکاپوی تولید، تمرکز و افزایش قدرت هستند و از این نظر موقعیت متحول دائمی داشته و توان رقابت آن‌ها متغیر است، دامنه انتشار ارزش‌های موردنظر آن‌ها نیز متغیر است؛ بنابراین قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی ناپایدار هستند (زکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۰۰).

۵- ارزش‌ها و مزیت‌های مدنظر بازیگران که در فضاهای جغرافیایی انتشار پیدا می‌کند و سبب شکل‌گیری قلمروها و مرزهای ژئوپلیتیکی آن‌ها می‌شود، تنوع و گستردگی فوق‌العاده زیادی دارد و دربرگیرنده تمام حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، عقیدتی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای، فنی و فناورانه، علمی، آموزشی، خدماتی، تجاری و ... می‌شود. (Dodds, 2000).

۲- روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کلان این پژوهش مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری و بر پایه مقوله «هویت» آن می‌باشد؛ بدین صورت که با در نظر گرفتن مقوله هویت از نظریه سازه‌انگاری در پی فهم سیاست «ایران‌هراسی» و به خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای»، رژیم صهیونیستی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) است.

برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه، سعی شده تا جامعه آماری از بین صاحب‌نظران آشنا با موضوع این پژوهش انتخاب شود. در این راستا، پس از بررسی سوابق علمی، پژوهشی و کاری متخصصین این حوزه (اعم از استادان دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با موضوع) با روش تعیین نمونه‌گیری زنجیری، تعداد ۹۱ نفر که در زمینه این پژوهش شناخت و تخصص داشتند، به‌عنوان جامعه آماری شناسایی شدند که تعداد ۴۹ نفر از آنان به شرح جدول زیر هستند.

جدول ۱. ویژگی‌های نمونه آماری

رشته تحصیلی						سطح تحصیلات		
مجموع	مدیریت راهبردی	مطالعات منطقه‌ای	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	روابط بین‌الملل	مجموع	دانشجوی دکتری	دکتری
۴۹	۴	۸	۱۴	۱۱	۱۲	۴۹	۲۵	۲۴

در بحث روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسش‌نامه، این پرسش‌نامه به ۱۸ نفر از صاحب‌نظران مرتبط با پژوهش ارائه و دیدگاه‌های اصلاحی آن‌ها اعمال شده است. پایایی (اعتبار) پرسش‌نامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ظریب آلفای کرونباخ (میانگین) ۰/۸۶ درصد است که انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسش‌نامه را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای، سیاستی است که در آن صهیونیست‌ها با تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای دست به ساخته و پرداخته کردن اتهامات در مورد مقاصد و اهداف نظامی ایران از برنامه صلح‌آمیز آن زده‌اند و به‌رغم سابقه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، کارزاری

گسترده برای تکمیل پروژه ایران‌هراسی و نشان‌دادن این کشور (ایران) به‌عنوان کشوری که در پی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است، به‌وجود آورده‌اند از این‌رو، در پژوهش حاضر، این سؤال به‌صورت میدانی مورد ارزیابی قرار گرفته است که هدف یا اهداف رژیم صهیونیستی برای درپیش گرفتن سیاست «ایران‌هراسی» و به‌خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای»، چیست؟

در همین راستا پس از بررسی ابعاد، شرایط و تاریخچه موضوع، ۸ گویه برای اهداف احتمالی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت. گویه‌های ارزیابی‌شده برای سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی عبارتند از:

- ۱- دورساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای؛
- ۲- گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی؛
- ۳- وا همه و نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا؛
- ۴- در انزوا قرار دادن ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت؛
- ۵- استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی؛
- ۶- سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود؛
- ۷- ایجاد فضای بین‌الاذهانی موردنیاز برای هم‌گرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی و
- ۸- متقاعد کردن آمریکا و کشورهای ۵+۱ برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای.

نتیجه ارزیابی سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲. دیدگاه نمونه آماری نسبت به سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی

ردیف	هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای	درجات ارزیابی			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی	۳۷/۹ درصد	۳۴/۸ درصد	۱۶/۷ درصد	۹/۱ درصد
۲	ایجاد فضای بین‌الذنه‌ای مورد نیاز برای هم‌گرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی	۹/۱ درصد	۲۵/۸ درصد	۴۳/۹ درصد	۱۹/۷ درصد
۳	در انزوا قرار دادن ج.ا.ایران به عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت	۵۳ درصد	۴۲/۵ درصد	۱/۵ درصد	۱/۵ درصد
۴	سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود	۲۷/۳ درصد	۲۷/۳ درصد	۳۳/۳ درصد	۹/۱ درصد
۵	متقاعد کردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای	۵۳ درصد	۳۴/۸ درصد	۹/۱ درصد	۱/۵ درصد
۶	دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمرو سازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای	۶۶/۷ درصد	۲۵/۸ درصد	۳ درصد	۱/۵ درصد
۷	واهمه و نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا	۴۳/۹ درصد	۳۶/۴ درصد	۶/۱ درصد	۱۲/۱ درصد
۸	استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی	۳۶/۴ درصد	۲۷/۳ درصد	۹/۱ درصد	۱۸/۲ درصد

اهداف ژئوپلیتیکی سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی

در ادامه ترتیب اهمیت اهداف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی براساس آزمون فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفت که در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. ترتیب اهمیت اهداف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای

ردیف	هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای	آزمون فریدمن (میانگین اثرگذاری)
۱	دورساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین، با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای	۱۴/۲۰ درصد
۲	در انزوا قراردادن ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت	۱۳/۹۱ درصد
۳	متقاعدکردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای	۱۳/۶۷ درصد
۴	نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا	۱۲/۸۲ درصد
۵	گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی	۱۲/۵۰ درصد
۶	سرپوش‌گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود	۱۱/۴۴ درصد
۷	استفاده از ابزار ایران‌هراسی و نشان‌دادن تهدید ایران برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی	۱۱/۳۹ درصد
۸	ایجاد فضای بین‌الاذهانی موردنیاز برای هم‌گرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی	۱۰/۰۷ درصد

تجزیه و تحلیل یافته‌های میدانی

در بررسی میزان اهمیت هر یک از اهداف رژیم صهیونیستی برای درپیش‌گرفتن سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای، مشخص گردید میزان اهمیت اهداف این رژیم برای درپیش‌گرفتن سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای به‌ترتیب زیر است:

- ۱- دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای؛
- ۲- در انزوا قرارداد ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت؛
- ۳- متقاعد کردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای؛
- ۴- نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا؛
- ۵- گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی؛
- ۶- سرپوش گذاشتن بر برنامه هسته‌ای نظامی خود؛
- ۷- استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی و
- ۸- ایجاد همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی.

۳- دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای

هدف محوری رژیم صهیونیستی از درپیش گرفتن سیاست ایران‌هراسی و به‌خصوص ایران‌هراسی هسته‌ای و دامن زدن شدید به آن، دور ساختن اذهان جامعه جهانی و به‌خصوص جوامع اسلامی و عربی از موضوع فلسطین و قلمروسازی نوین این رژیم در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است از این‌رو، سیاست ایران‌هراسی، ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی و صحنه‌گردانی پشت‌پرده جنگ‌های نیابتی که از سوی اسرائیل دنبال می‌شود، با هدف به‌حاشیه‌راندن موضوع فلسطین و انحراف اذهان عمومی از این موضوع صورت می‌گیرد. این درحالی است که رویکرد قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل برای حل منازعه فلسطین، راه‌حل «دو کشور» است که کشور فلسطین را به‌عنوان یک کشور مستقل در غزه و بیشتر کرانه باختری تأسیس می‌کند و بقیه سرزمین‌ها را به اسرائیل می‌سپارد. [البته علی‌رغم ظالمانه بودن] و اینکه طرح دو دولت از نظر تئوری واضح و مشخص است؛ اما دو طرف هم‌چنان در مورد چگونگی عملی کردن آن در عمل، اختلاف نظر

عمیقی دارند (Beauchamp, 2018: 1-2). در این میان نقشه راه آمریکایی که در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ ارائه گردید، به طرز چشمگیری در خدمت رویکرد قلمروسازی رژیم صهیونیستی قرار گرفت و بر تداوم روابط پشت صحنه بین برخی کشورهای خلیج فارس و اسرائیل بنا شد. او می‌خواست طرح صلح خاورمیانه‌ای خود را در قالب «معامله قرن» و «عادی‌سازی» روابط بین اسرائیل و اعراب، عملیاتی کند تا ائتلاف رسمی آن‌ها علیه ایران را امکان‌پذیر نماید؛ زیرا اسرائیل، امارات متحده عربی و عربستان، ایران را دشمن مهمی می‌دانند که باید مخالفت مشترک خود با آن را تقویت کنند. در این خصوص برایان هوک، مقام ارشد سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده گفت: «توافق جدید برای ایران در تلاش‌هایش علیه اسرائیل در منطقه «یک کابوس» است» (Holland, 2020: 2). ترامپ نیز در مراسمی درخصوص این پیمان به خبرنگاران گفت: «این توافق گامی مهم در جهت ایجاد خاورمیانه با آرامش، امنیت و سعادت‌مندتر است. اکنون که یخ اختلافات شکسته شده، من انتظار دارم که بیشتر کشورهای عربی و مسلمانان از امارات متحده عربی پیروی کنند» (Baker, 2020). طرح «معامله قرن» در اوج شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای و جهانی از سوی ترامپ مطرح و پیگیری گردید. این طرح تحت عنوان «یک راه‌حل [به اصطلاح] واقع‌گرایانه برای دو کشور»، فلسطینیان را به کشوری با حاکمیت محدود تحت نگرانی‌های امنیتی اسرائیل و یک دولت خلع سلاح شده ارائه می‌دهد که اسکله‌های آن توسط تونل‌ها و پل‌های تحت نظارت امنیتی اسرائیل به هم متصل می‌شوند. حتی اجرای این نقشه مشروط به آن شده که فلسطینی‌ها، اسرائیل را به‌عنوان یک کشور یهودی به رسمیت بشناسند. علاوه‌بر آن بایستی آنچه اسرائیل «ترور در همه اشکال آن» می‌داند را رد کرده و با آن مقابله کنند و ترتیبات ویژه‌ای را برای تأمین نیازهای امنیتی اسرائیل بپذیرند. این طرح هم‌چنین فلسطینیان را ملزم می‌کند که مسئولیت امنیت و کنترل بر تمام فضای هوایی غرب رود اردن را به اسرائیل اعطا کنند. علاوه‌بر این، دولت فلسطین مسئول سرکوب جنبش‌های مقاومت فلسطین خواهد بود؛ امری که می‌تواند به معنای جنگ داخلی بین فلسطینیان باشد (Farrell, 2020: 2).

این امر در دوره تصدی قدرت احزاب صهیونیستی تندرو و به‌خصوص در دوره نتانیاهو که راست‌گراترین دولت در تاریخ اسرائیل را تشکیل داده بود، شدت بیشتری به خود گرفت. در این دوره، رقبای سیاسی او خواهان ترک راه‌حل دو کشور بوده؛ اما حامیانش از او می‌خواهستند

شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری را گسترش دهد و زمین‌های بیشتری را از تصرف فلسطینی‌ها خارج کند (Lake, 2017: 2) از این رو، سیاست ایران‌هراسی، توانسته با به‌حاشیه‌بردن موضوع فلسطین، طی یک دهه اخیر زمینه مناسبی را برای سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فراهم آورده که البته جنگ سال ۲۰۲۱ اسرائیل و غزه و برجسته‌شدن عنصر مقاومت در میان فلسطینیان و جوامع سایر کشورهای عربی، این رویکرد صهیونیست‌ها را با مانع جدی ذهنی و عینی مواجه نموده است.

۴- کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت و به‌حاشیه‌بردن این کشور از مناسبات منطقه

رژیم صهیونیستی با درپیش گرفتن سیاست ایران‌هراسی، منزوی کردن ج.ا.ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای آن به‌عنوان رهبر جبهه مقاومت را دنبال می‌کند. مسئولان این رژیم معتقدند که ایران به‌عنوان سکان‌دار محور مقاومت با شکل‌گیری هر نوع توافق صلح یا عادی‌سازی روابط کشورهای مسلمان با این کشور مخالف است (Feltman, 2019: 8) از این رو، مسئولان رژیم صهیونیستی کارزار ایران‌هراسی و فشار بر ایران را طی سال‌های اخیر با تأکید بر تهدید برنامه هسته‌ای ایران به راه انداخته و در این میان تلاش نموده‌اند از ظرفیت‌های موجود منطقه به‌خصوص رویکردهای ضدایرانی حاکمیت عربستان سعودی بهره بیشتری ببرند. عربستان سعودی که بعد از سقوط رژیم‌های سیاسی در عراق و مصر و جنگ داخلی در سوریه، تلاش خود را برای رهبری بر جهان عرب مضاعف نموده، رویکرد سازش با اسرائیل را برای تضعیف جبهه مقاومت در پیش گرفته است. عربستان هم‌زمان با تلاش برای کاهش تهدیدات داخلی و تثبیت جایگاه منطقه‌ای، حرکت به‌سمت اسرائیل را در پیش گرفته است؛ تا جایی که این کشور در راستای تقویت موضع خودش، هم‌سویی سیاسی - امنیتی با اسرائیل را در سیاست ایران‌هراسی در پیش گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۷). این امر پس از توافق هسته‌ای موسوم به «برجام» در دوره «باراک اوباما» با توجه به حاکمیت دموکرات‌ها در آمریکا و نگاه ویژه آن‌ها به مسائل منطقه و شکل‌گیری احساس نگرانی در اسرائیل و عربستان تشدید گردید. هر دوی آن‌ها (عربستان و رژیم صهیونیستی) در موضوع برجام اتفاق نظر داشته و از اعاده روابط تهران با جهان احساس تهدید می‌کنند و از وقتی

اهداف‌شان در کنار هم قرار گرفته، هم‌سویی سیاسی آن‌ها در زمینه ایران‌هراسی برای در انزوا قراردادن ایران در مناسبات منطقه بیشتر گردیده است (ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۷)؛ تا جایی که تلاش نمودند بخشی از جنبش‌های مقاومت فلسطین را به جبهه مقابل یعنی سازش نزدیک نمایند (مرادی، ۱۳۹۳: ۵۰).

۵- متقاعد کردن آمریکا و اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای

این رژیم همواره تلاش نموده با تبلیغات و عملیات روانی گسترده در سطح رسانه‌ها، ماهیت برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی جلوه دهد و به‌نوعی در راستای اهداف خود به جامعه جهانی بقبولاند برنامه هسته‌ای ایران، غیرصلح‌آمیز است و تهدید آن تنها محدود به اسرائیل نمی‌شود. در همین راستا تلاش‌های جدی به‌منظور ترغیب آمریکا به ویژه از طریق لابی صهیونیسم در این کشور برای اعمال و تشدید فشار همه‌جانبه علیه ج.ا.ایران صورت داده است (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۲). بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بیشترین نقش را در اجرای پروژه ایران‌هراسی ایفا نموده است. نتانیاهو در راستای همسو کردن کشورهای غربی با خود، همواره سعی نموده [در محافل و مناسبت‌های مختلف] تهدید هسته‌ای و موشکی ایران را امری حاد نشان داده و برجسته نماید. در یکی از سخنرانی‌های وی بیان نمود: «ایرانی‌ها موشک‌های بالستیک (ICBM) می‌سازند که به آن‌ها امکان می‌دهد ظرف چند سال آینده بتوانند به خاک آمریکا برسند. آن‌ها هم‌چنین مسیر دیگری را نیز برای تولید پلوتونیوم پیموده‌اند. به این ترتیب، آن‌ها در یک مسیر اورانیوم را غنی‌سازی می‌کنند تا بمب بسازند و در مسیر دیگر، پلوتونیوم تولید می‌کنند و هم‌چنین موشک‌های بالستیک قاره‌پیما می‌سازند که شما را هدف قرار دهند. آن‌ها هم‌اکنون برد کافی برای هدف قراردادن ما را دارند» (Roshan, 2019).

یکی از مؤثرترین ابزارهای اسرائیل برای پیش‌برد سیاست فشار آمریکا بر ایران، لابی اسرائیل در آمریکا است که یکی از قدرتمندترین و فراگیرترین گروه‌های سیاسی در آمریکا می‌باشد که در ساختارهای سیاسی ایالات متحده نفوذ قابل توجهی دارد. کمیته روابط عمومی آمریکا - اسرائیل مشهور به آپیک، یکی از بزرگترین و قدرتمندترین گروه‌های لابی‌گری در آمریکا

محسوب می‌شود. لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا با روی کارآمدن جورج بوش تا امروز، با تحت فشار قراردادن ایالات متحده آمریکا، سعی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران دارد. در این راستا، این لابی به همراه دولت اسرائیل شروع به فضا سازی علیه ج.ا. ایران و بزرگ‌نمایی خطر ایران نسبت به اسرائیل، منطقه و جهان کردند تا فضای روانی لازم را در آمریکا برای اقدامات بعدی ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که بیشتر صاحب‌نظران مسائل خاورمیانه (مانند حفری کمپ، نیوسام، جیمز بیل و ...)، به صراحت ابراز داشته‌اند که در روابط ایران و ایالات متحده، تمامی راه‌ها به اسرائیل ختم می‌شود و این کشور عامل اصلی تنش، نفرت و انزجار فزاینده میان دو دولت ایران و آمریکا است. این لابی سیاست دولت اسرائیل برای بزرگ‌نمایی خطر ایران و محدودسازی قدرت ایران نیز سیاست تحریم جمهوری اسلامی را در داخل ایالات متحده با شدت پیگیری کرد که ماحصل نهایی آن، «تحریم‌های جامع ایالات متحده» علیه ایران شد (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۴۲).

پراکنش جوسازی منفی و هراسناک از ایران توسط اسرائیل درباره پرونده هسته‌ای ایران تا حدی بود که نخست‌وزیر این رژیم، از اقدامات گروه ۵+۱ برای دستیابی به توافق هسته‌ای ابراز نارضایتی شدید کرد و خواستار برخورد جدیدی تر جامعه جهانی با ایران گردید (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). در طول مذاکرات هسته‌ای ایران با اعضای ۵+۱ نیز نخست‌وزیر این رژیم، با اشاره به ناکارایی تحریم‌ها، خواهان راه‌حلی فوری (تهدید و اقدام نظامی) برای مقابله با برنامه‌های آتی ایران گردید. هم‌چنین با آغاز مذاکرات گروه ۵+۱ با تیم ایرانی برای برداشته شدن تحریم‌ها، رژیم صهیونیستی به همراه عربستان سعودی و برخی از کشورهای منطقه تلاش کردند تا این مذاکرات به شکست بینجامد (مهرعطا، ۱۳۹۵: ۱۲۹). اما روی کارآمدن دونالد ترامپ در آمریکا، مسئولان رژیم اسرائیل را به مهم‌ترین هدف خود- یعنی خروج آمریکا از برجام و تلاش برای ضربه زدن به آن رساند. ترامپ که مخالفت خود با توافق هسته‌ای را حتی در زمان انتخابات ریاست جمهوری بیان نموده بود، در سال دوم ریاست جمهوری خود، رسماً آمریکا را از برجام خارج نمود.

مبارزه ضدایرانی ترامپ به همین جا ختم نشد و واشنگتن حتی پس از ترک توافق برجام، سعی در افزایش بیشتر موانع اقتصادی و تجاری ایران کرد و بر شدت تحریم‌های ثانویه افزود (IRNA, Jul 24, 2019). علاوه بر این، دولت سابق آمریکا از همه ابزارهای در اختیار، از جمله

متحدین منطقه‌ای نیز برای پیش‌برد سیاست فشار حداکثری استفاده نمود. با این حال، به‌رغم موفقیت آمریکا در کسب اهرم اقتصادی بزرگی از گذر کارزار فشار حداکثری، کاخ سفید نتوانست تا پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ ایران را وادار به گفت‌وگوی دوباره بر سر توافق هسته‌ای کند. ترامپ در حالی کاخ سفید را ترک کرد که ایران در دوره او به نقطه گریز هسته‌ای نزدیک‌تر شده بود. این در حالی است که اگر دولت «جو بایدن»، نگرانی‌های اسرائیل را منظور نکند و به برجام بازگردد، تشدید پارادایم تنش که ویژگی روابط اواما، نتانیاهو بود و نیز اشتباهات بیشتر اسرائیل برای اقدام یک‌جانبه برای جلوگیری از عبور ایران از نقطه گریز هسته‌ای قابل تصور است (Ari and Eldad, 2020: 20).

۶- ترس رژیم صهیونیستی از تهدید ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا

طی چند دهه اول پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دغدغه برای این رژیم، موجودیت و بقا بوده است (زرگر، ۱۳۹۴: ۶۲). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، هراس و ترس شدید اسرائیل از تداوم موجودیت و بقای خود، یکی از بخش‌های محوری شکل‌دهنده به تمامی راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای این رژیم بوده است؛ زیرا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، ج.ا.ایران، رژیم صهیونیستی را رژیمی نامشروع و جعلی دانسته و به روابط نظام پادشاهی پهلوی با آن پایان داد و کشورهای مختلف اسلامی را به قطع ارتباط با این رژیم تشویق نموده است (راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۵: ۹).

در دو دهه اخیر ترس رژیم صهیونیستی از بُعد سخت قدرت ج.ا.ایران، شکل جدی‌تری به خود گرفته است و به‌خصوص در سال‌های اخیر، رقابت اسرائیل و ایران به سمت تقابل پیش‌رفته و این قابلیت را پیدا کرده که منجر به درگیری مستقیم نظامی شود. اسرائیل ایران را چالش امنیتی غالب خود می‌داند که می‌تواند چالش‌های جدی استراتژیک و ایدئولوژیک را برای دولت یهود ایجاد کند (Roshan, 2019: 3). البته اسرائیل از اواسط دهه ۱۹۹۰، با شدت بیشتری بر روی جمهوری اسلامی تمرکز کرده است؛ زیرا جمهوری اسلامی توسعه فناوری هسته‌ای و موشک‌های دوربرد خود را شروع کرده بود و به گفته یکی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان اسرائیلی، توسعه

چنین توانایی‌هایی نقطه عطفی در دیدگاه‌های جامعه نظامی و اطلاعاتی اسرائیل درباره ایران را شکل داد. یک مقام اسرائیلی این عقیده را داشت که اسرائیلی‌ها با تهدید ایران در دهه ۱۹۹۰ «بیدار شدند» (Keinon, 2018: 9). رژیم صهیونیستی بازدارندگی هسته‌ای را ضامن امنیت خود دانسته و دست‌یابی احتمالی کشورهای مسلمان منطقه به تسلیحات هسته‌ای را تهدیدی علیه موجودیت خود می‌داند از این رو، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه را در راهبرد امنیتی خود گنجانده است (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۲). از دید حاکمان اسرائیل، ظهور ایران مسلح به توان هسته‌ای در آینده، می‌تواند ضمن تغییر موازنه قدرت، چشم‌انداز درگیری مستقیم مسلحانه بین دو کشور را افزایش دهد. از دید آن‌ها، یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای ممکن است اسرائیل را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب منطقه‌ای شناخته و در صورت درگیری مسلحانه بتواند توانایی هسته‌ای خود را علیه اسرائیل عملیاتی نماید (Roshan, 2019: 15). رهبران اسرائیل مدت‌هاست که چشم‌انداز بمب هسته‌ای ایران را از نظر آخرالزمانی به تصویر می‌کشند. همان‌طور که یک مقام آمریکایی اشاره کرده است، سیاست‌مداران و ژنرال‌ها در تل‌آویو «در حال برخورد با ایران هسته‌ای به‌عنوان یک تهدید فوری برای موجودیت و منافع کشور خود» هستند (Landler, 2021). از نگاه صهیونیست‌ها، دست‌یابی ایران به توانمندی هسته‌ای نظامی، آن‌ها را با قواعد بازی جدیدی در خاورمیانه مواجه خواهد کرد و برتری استراتژیک خود را که طی دهه‌های گذشته در قبال کشورهای اسلامی و عربی داشته‌اند، از دست خواهند داد. به همین دلیل، هرچند برجام با به تأخیر انداختن تهدید هسته‌ای، فضا را در اختیار اسرائیل قرار داد تا توجه خود را به چالش فوری و رایج‌تری که این کشور از ایران با آن روبرو است مواجه کند؛ یعنی نفوذ فزاینده آن در سوریه، اما هم‌چنان مخالف سرسخت این توافق بوده و از خروج ایالات متحده از این توافق [در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ] حمایت همه‌جانبه نمود (Dassa Kaye, 2020: 6). یکی از دلایل ترس اسرائیل از ایران هسته‌ای این است که جمهوری اسلامی می‌تواند حذف زرادخانه هسته‌ای خود را منوط به اقدام مشابه دولت اسرائیل کند. ضمن اینکه دستیابی ایرانی‌ها به سلاح هسته‌ای احتمالاً منجر به یک رویکرد جدید دیپلماتیک با آمریکا شود که این مسأله منافع رژیم صهیونیستی با خطر جدی مواجه می‌کند (Howard, 2015: 2). یکی دیگر از دلایل اتهامات دروغین علیه ایران به‌عنوان تولیدکننده سلاح هسته‌ای، این است که دولت اسرائیل می‌تواند توازن قوا در

منطقه جنوب غرب آسیا را تغییر دهد و این رژیم را مجبور به رعایت حقوق فلسطینیان کند (Ayoubi, 2019: 3). بنابراین، ترس اسرائیل از ایران هسته‌ای باعث گردیده این رژیم همواره سعی نماید تا به اشکال مختلف (از جمله خراب کاری و ایجاد مشکل برای مراکز هسته‌ای در ایران، برنامه‌ریزی ترور دانشمندان هسته‌ای و تهدید آن‌ها، فعالیت گسترده لابی صهیونیستی در آمریکا و اروپا، در قبولاندن صلح آمیز نبودن برنامه هسته‌ای ایران و در نتیجه اعمال فشار بر این کشور) مانع پیشرفت و توسعه برنامه‌ی هسته‌ای ایران بشود (Steven, 2018: 7-9).

۷- مظلوم‌نمایی در راستای گرفتن امتیازات بیشتر از ایالات متحده و کشورهای غربی

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل از زمان پیدایش این دولت، روابط نزدیکی در همه زمینه‌ها با هم داشته‌اند (Shannon, 2016: 4-7). روابط این دو براساس منافع مشترک امنیت ملی و همچنین ارزش‌های مشترک بنا شده است. این روابط علاوه بر تعاملات نزدیک، عمق استراتژیک نیز دارد و نقش منطقه‌ای اسرائیل در استراتژی امنیت ملی آمریکا، اهمیت بسیاری دارد؛ تا جایی که اگر بخواهیم علایق سیاست خارجی آمریکا را دسته‌بندی کنیم، حمایت و حفاظت از اسرائیل در صدر این علایق قرار می‌گیرد (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۴۴). تعهد واشنگتن به امنیت و رفاه دولت یهودی، پدیده‌ای استثنایی است و روابط دوجانبه با وجود فرسایش حمایت از اسرائیل در میان محافل مترقی در ایالات متحده، همچنان مستحکم است. نوع روابط آمریکا و اسرائیل به گونه‌ای است که آمریکا هر سال کمک‌های قابل توجهی را در حوزه‌های اقتصادی، فنی و نظامی به اسرائیل اختصاص می‌دهد. اما در دهه اخیر به بهانه تهدید ایران، اسرائیل کمک‌های بیشتری دریافت کرده است. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، ایالات متحده حدود ۳۸ میلیارد دلار به اسرائیل کمک نظامی کرده است. این کمک‌ها به اسرائیل به‌عنوان متحد اصلی واشنگتن در خاورمیانه اجازه داد تا بیشتر هواپیماهای جنگنده خود را ارتقا دهد، تحرک نیروهای زمینی خود را بهبود بخشد و سیستم‌های دفاع موشکی خود را تقویت کند (Spetalnick, 2019: 11).

در سال ۲۰۱۵ بعد از توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱، نتانیاهو با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای، ناخشنودی جدی خود را از این توافق را نشان داد و در مقابل، آمریکا تلاش نمود تا رضایت

اسرائیل را نیز کسب نماید. از جمله اقدامات انجام شده در این خصوص، عقد قرارداد کمک به اسرائیل بود. ایالات متحده اعلام نمود در صورت اضطرار می تواند بودجه این قرارداد را افزایش دهد. البته هم چنین این معامله مانع از آن نشد که اسرائیل از کنگره برای مسائلی مانند توسعه دفاع سایبری درخواست کمک نکند (Shannon, 2016: 4-7). در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ علاوه بر امتیازهای نظامی، امتیازهای سیاسی - اقتصادی بیشتری به اسرائیل داده شد. اسرائیل با مظلوم‌نمایی در دوره ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا را وادار نمود زمینه را برای برقراری ارتباط و همکاری محور عبری - عربی در قالب «طرح ابراهیم» علیه ایران فراهم نماید. هم چنین برگزاری کنفرانس ورشو در فوریه ۲۰۱۹ که مورد توجه گسترده رسانه‌ها قرار گرفت، در همین راستا قابل طرح می باشد. این هماهنگی با توجه به منافع متقابل امنیت منطقه‌ای اسرائیل و کشورهای عربی سنی با هدایت آمریکا و میدان‌داری عربستان سعودی شکل گرفت (Landau, 2020). رویه مخالفت اسرائیل با توافق هسته‌ای در دولت جدید آمریکا نیز ادامه داشته است و به نظر تحلیل - گران، اقدامات نیمه اول سال ۲۰۲۱م اسرائیل برای ارسال پیامی به دولت بایدن، حتی بیش از برهم زدن برنامه هسته‌ای ایران بوده است تا ایالات متحده را از انجام مذاکرات منصرف کند یا حداقل، اهرم به چالش کشیدن توانایی ایران را در محافظت از سایت هسته‌ای خود برای گرفتن امتیازات بیشتر در مذاکرات، فراهم کند (Vohra, 2021: 8).

۸- استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی

ایجاد هراس برای یهودیان راه دیگری است که رژیم صهیونیستی بقای خود را به آن وابسته می‌بیند. تبلیغ و تکرار دائمی مسأله هولوکاست و بازگویی و یادآوری بزرگ‌نمایی شده آن، به عنوان ابزاری برای به وجود آوردن یک ذهنیت تاریخی تلخ و ترسان در میان یهودیان استفاده می‌شود. این ترس شدید منشأ خشونت طلبی دائمی در بخش بزرگی از یهودیان مهاجر ساکن سرزمین‌های اشغالی است که از به وجود آمدن یک هولوکاست دیگر که این بار عامل آن ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای معرفی می‌گردد، هراسانند.

درواقع، علی‌رغم اختلاف نظر بین نخبگان امنیتی اسرائیل در مورد هر موضوع وابسته به امنیت- ملی؛ اما در مورد شدت چالشش ایران تقریباً بین آنها اتفاق نظر وجود دارد. با این اوصاف، شکاف‌های داخلی هنگامی شروع می‌شوند که در ارزیابی‌های مختلف، سیاست اسرائیل در مورد چگونگی پاسخ به ایران و برنامه هسته‌ای آن ظاهر می‌شود. امروزه بسیاری در اسرائیل، ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن خود می‌دانند و معتقدند که ظهور رهبران تندرو در ایران با موضع‌گیری‌های خصمانه نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی نسبت به دولت یهود، حتی می‌تواند دیدگاه کشورهای هم‌سو با ایران را نیز نسبت به این رژیم در آینده تغییر دهد (Sachs, 2018: 2-3).

از دیدگاه رهبران این رژیم، ظرفیت موشکی و هسته‌ای در حال گسترش ایران و شبکه شرکای شبه‌نظامی غیردولتی آن، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. حمایت گذشته ایران از حملات ضداسرائیلی در داخل خود اسرائیل و علیه اسرائیلی‌های خارج از کشور، همراه با سخنان التهابی و تلاش برای «پاک کردن اسرائیل از نقشه جهان»، تهدید ایران را در روح و روان شهروندان اسرائیلی بیشتر می‌کند که نامزدها [به‌خصوص بنیامین نتانیاهو] از آن به‌عنوان ابزار تبلیغاتی در مبارزات انتخاباتی این رژیم استفاده می‌کنند (Dassa Kaye, 2020: 8). این موضوع در رقابت‌های داخلی سال ۲۰۲۱ اسرائیل بین «بنیامین نتانیاهو» و «فتالی بنت» برای رسیدن به پست نخست‌وزیری نیز مشهود بود و هر یک از طرفین برای جلب توجه بیشتر طرفداران خود، اقدام به برجسته کردن تهدید ایران هسته‌ای نمودند.

۹- سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود

تلاش اسرائیل برای دستیابی به فناوری و سلاح هسته‌ای از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۸ آغاز شده است. بسیاری از دانشمندان یهودی در دهه سی و چهل میلادی، به فلسطین مهاجرت کردند، به‌ویژه «ارنست دیوید برگمن». وی مدیر کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل و بنیان‌گذار تلاش‌های اسرائیل برای تولید سلاح‌های هسته‌ای شد (Farr, 2013: 10). به‌صورت ویژه، دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، به‌طور مخفیانه برنامه سلاح‌های هسته‌ای را در اواسط تا اواخر دهه ۱۹۵۰ با کمک فرانسه ایجاد کرد (Avner, 1998: 54) این برنامه در مرکز

تحقیقات هسته‌ای نقب^۱، نزدیک شهر دیمونا متمرکز است؛ جایی که یک راکتور تولید پلوتونیوم از طریق فرانسه در اوایل دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد^۲. اسرائیل در اواخر ماه مه ۱۹۶۷ در آستانه جنگ شش روزه، اولین دستگاه‌های هسته‌ای ابتدایی خود را مونتاژ کرد (Avner, 2007: 37). براساس برآورد تقریبی صورت گرفته از ظرفیت تولید پلوتونیوم راکتور دیمونا، اعتقاد بر این است که اسرائیل تا سال ۲۰۱۳، حدود ۸۴۰ کیلوگرم پلوتونیوم در درجه سلاح تولید کرده است که برای زرادخانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای کافی است (International Panel on Fissile Material's estimate, 2013).

البته اسرائیل به طور رسمی، هیچ چیز واقعی در مورد توانایی‌های سلاح هسته‌ای خود تصدیق نکرده و صرفاً اعلام کرده است که اولین کسی نخواهد بود که سلاح هسته‌ای را به خاورمیانه وارد می‌کند. درحالی که این رژیم از چشم‌انداز خاورمیانه‌عاری از سلاح هسته‌ای حمایت کرده است، هم‌چنان عضو NPT نیست و تمایلی به مذاکره برای ایجاد چنین منطقه‌ای نشان نداده است (Global Security Newswire, 2012).^۳ اظهارات رسمی مقامات اسرائیل در مورد برنامه‌ها و اهداف خود در مورد داشتن سلاح هسته‌ای اغلب مبهم بوده و اطلاعات قطعی کمی را ارائه می‌دهد. این کشور بارها و بارها از این فرمول استفاده کرده است که «اسرائیل اولین کشوری نیست که در خاورمیانه سلاح هسته‌ای دارد». در عین حال، اسرائیل از امضا و تصویب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا قرارداد کلیه تأسیسات هسته‌ای خود تحت حفاظت‌های بین‌المللی امتناع ورزیده است. علاوه بر آن، امکان بازرسی بین‌المللی از تأسیسات این رژیم وجود ندارد و [در موارد متعددی] اعتبار پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در منطقه را تضعیف نموده

1. Negev

1. For more on this, see: "Memorandum from the Department of State's Executive Secretary (Read) to the President's Special Assistant for National Security Affairs (Bundy)," 11 February 1964, in Foreign Relations of the United States, 1964-1968, Vol. XVIII, Arab-Israeli Dispute, 1964-67, Document 12, <http://history.state.gov>.

2. For more on this, see: Elaine M. Grossman, "U.S., Russia Clash over Mideast WMD Talks Delay," Global Security Newswire; "Mideast Nuclear Talks Called Off," Associated Press, 12 November 2012; www.nti.org;

است. به‌عنوان مثال، بمباران راکتور هسته‌ای عراق، که تحت پادمان‌های آژانس انرژی هسته‌ای بود، نمونه‌ای از این اقدامات است (Burr, 2016: 8).

۱۰- ایجاد فضای بین‌الذهانی موردنیاز برای هم‌گرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی

علی‌رغم اختلاف نظر بین نخبگان امنیتی اسرائیل در مورد هر موضوع وابسته به امنیت ملی؛ اما در مورد شدت چالش ایران تقریباً بین آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد. با این اوصاف، شکاف‌های داخلی هنگامی شروع می‌شوند که در ارزیابی‌های مختلف، سیاست اسرائیل در مورد چگونگی پاسخ به ایران و برنامه هسته‌ای آن ظاهر می‌شود (Katzman, 2020: 4). البته، نگرانی اسرائیل در مورد ایران به‌طور صرف به برنامه هسته‌ای مربوط نشده، بلکه از نفوذ و محبوبیت ج.ا.ایران در میان مردم منطقه و حتی اعراب داخل سرزمین‌های اشغالی هراس دارند؛ به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان زنگ خطری برای موجودیت این رژیم یاد می‌کنند. به گفته آن‌ها در میان شهروندان عرب اسرائیلی که یک میلیون نفر بوده و ۱۵ درصد از جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند، حمایت گسترده‌ای از ایران وجود دارد که آژانس امنیتی اسرائیل نیز از این محبوبیت به‌شدت ابراز نگرانی کرده است. مقامات اسرائیل به ثمربخش بودن اشاعه وحشت و هراس در جامعه داخلی اسرائیل و ملل دیگر، برای دستیابی به بازدارندگی اعتقاد داشته و «ترسیدن» مردم را ابزار اصلی کسب مشروعیت جهت انجام حملات پیش‌گیرانه و ماجراجویی‌های سیاسی و نظامی بین‌المللی خود و همزمان، کاهش زمینه‌های واگرایی در سرزمین‌های اشغالی می‌پندارند. راست‌گرایان و چپ‌گرایان صهیونیست در اتخاذ این راهبرد عملکرد یکسانی داشته و نسخه مرجع برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های این رژیم مبتنی بر اصل «بترسان و حکومت کن» بوده است. بسیاری از اسرائیلی‌های یهودی، تمایل همشهریان عرب خود را برای کنارآمدن با این رژیم را زیر سؤال می‌برند. شهروندان عرب تبار اسرائیل اغلب به‌عنوان یک تهدید امنیتی و بمب ساعتی سیاسی - جمعیتی تلقی می‌شوند. با ادعای همکاری اسرائیلیان عرب و سازمان‌های مبارز فلسطینی از زمان انتفاضه، این تصورات بیشتر تقویت شده است. برعکس، شهروندان فلسطینی اسرائیل، کشوری را درک می‌کنند که در بیشتر موارد

تمایلی به احترام به حقوق فردی آن‌ها یا به رسمیت شناختن هویت جمعی آن‌ها ندارد و در عوض، می‌خواهد وزن سیاسی و حضور جمعیتی آن‌ها را محدود کند (Brussels, 2017: 6).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش در راستای تحلیل اهداف ژئوپلیتیکی سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از دارندگان تسلیحات هسته‌ای - که خود، عضو هیچ یک از پیمان‌ها و معاهدات و رژیم‌های حقوقی بین‌المللی در حوزه‌های خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیست - با توجه به هویت نژادپرستانه و ماهیت فیزیکی غصبی که بخش مهمی از سرزمین‌های مرکزی جهان اسلام را در اشغال خود دارد، ج.ا.ایران را به‌عنوان بزرگ‌ترین و جدی‌ترین تهدیدات علیه بقای هویتی و ماهیتی خود قلمداد می‌کند. این امر ماهیت اسلامی و انقلابی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مردم فلسطین و لبنان و گروه‌های مقاومت ضداسرائیلی ریشه دارد. با توجه به هویت، ماهیت و شرایط شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در منطقه و سیر تحولات پیش آمده، مسئولان این رژیم در چند زمینه احساس نگرانی می‌کنند: (۱) افزایش فشارهای جهانی بر رژیم صهیونیستی به‌دلیل نادیده گرفتن حقوق مشروع فلسطینیان، (۲) افزایش منزلت و قدرت و نفوذ ج.ا.ایران و محور مقاومت در منطقه، (۳) ترس از برهم خوردن موازنه قدرت در مقابل ایران، (۴) تغییر نگرش جهانی نسبت به ایران، (۵) کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی در داخل این کشور، (۶) تهدید نسبت به بقای رژیم و (۷) تشدید اختلافات درونی این رژیم از این رو، مسئولان رژیم صهیونیستی در راستای فائق آمدن بر نگرانی‌های یادشده، در گام اول راهبرد «ایران‌هراسی و به‌خصوص ایران‌هراسی هسته‌ای را متناسب با رویکرد دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران (معرفی ایران به‌عنوان دشمن کشورهای عرب سنی منطقه و هویت و ارزش‌های غربی)»، در پیش گرفته‌اند. مسئولان این رژیم با درک تهدید ج.ا.ایران برای هویت و ماهیت خود، سعی در برساخته کردن و بازبرساخته کردن یکی از توان‌مندی‌های بومی ج.ا.ایران (برنامه هسته‌ای) به‌عنوان تهدیدی برای منطقه و جهان نموده‌اند.

براساس یافته‌های پژوهش، یکی از مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی از بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای، دورساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین

اشغالی است. این امر در یک دهه اخیر، هم‌زمان با سیاست‌های توسعه‌طلبانه نیروهای راست افراطی با رهبری بنیامین نتانیاهو و اشغال بخش‌های بیشتری از کرانه باختری و توسعه شهرک‌های صهیونیست‌نشین گسترش بیشتری داشته است.

مسئولان سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی به دلیل نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا، با دامن‌زدن به رویکرد ایران هراسی و مطرح‌نمودن و تکرار تهدید ایران هسته‌ای در کشورهای عرب سنی منطقه و حتی در بین کشورهای غربی، راهبرد منزوی‌سازی ج.ا.ایران را به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت، دنبال کرده‌اند. رژیم صهیونیستی، با استفاده از ابزارهای سیاسی - تبلیغاتی گسترده، پروژه ایران هراسی را در زمینه‌های تخریب ج.ا.ایران و محور مقاومت و ذهنیت‌سازی منفی از برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفته است. در همین راستا، مسئولان این رژیم با ذهنیت‌سازی منفی از نظام سیاسی ج.ا.ایران، ظهور این کشور را چالش امنیتی بزرگی برای منطقه معرفی کرده‌اند.

مطرح‌نمودن و تکرار تهدید ایران هسته‌ای در کشورهای عرب سنی منطقه و حتی در بین کشورهای غربی و برجسته‌نمودن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ج.ا.ایران، از جمله اقدامات رژیم صهیونیستی در راستای ذهنیت‌سازی منفی از ایران و تشدید موج ایران هراسی برای هم‌سونمودن جوامع و دولت‌های غربی و عربی برای اعمال فشار به ج.ا.ایران در موضوع هسته‌ای و گرفتن امتیازات بیشتر از آمریکا و کشورهای غربی است. اشاعه هم‌زمان «ایران هراسی» و «مظلوم‌نمایی»، همواره پای ثابت اظهارات رسمی و غیررسمی مسئولان رژیم صهیونیستی و بخش اصلی تمامی فعالیت‌های رسانه‌های صهیونیستی سرتاسر جهان علیه ج.ا.ایران بوده است. این رژیم در کنار توهم‌پراکنی در مورد خطر قریب‌الوقوع ایران برای منطقه و جهان، از یک سو از چشم‌نهادهای بین‌المللی و مردم منطقه دور مانده و سیاست‌های تجاوزکارانه خود را ادامه می‌دهد و از سوی دیگر، سیل اعانه‌های مالی و نظامی آمریکا و کشورهای غربی را به‌سوی اسرائیل سرازیر کرده است.

تصویرسازی از ایران به‌عنوان دشمن مشترک بازیگران گوناگون منطقه‌ای، نزدیکی به اعراب و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های ضدایرانی در منطقه، تداوم‌بخشیدن به جنگ‌های داخلی در

حوزه‌های نفوذ ایران و حمایت از معارضان و گروه‌های تکفیری- تروریستی در سوریه، عراق، لبنان و یمن و تلاش برای مهار ایران در منطقه، گزاره‌های دیگری از راهبرد صهیونیست‌ها در سال‌های اخیر بوده است.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد وجود یک دشمن یا تهدید خارجی، همواره از طریق ایجاد یک هویت در مقابل هویت دیگر به حفظ وحدت و همبستگی آن کشور کمک می‌کند. در مورد رژیم صهیونیستی نیز که یک رژیم نژادپرست و هویتی بوده و از ابتدای تأسیس در تلاش برای هویت‌سازی بوده و در سیاست خارجی خود نیز رویکردی هویتی داشته است همین امر صادق می‌باشد. در این ارتباط، با توجه به اینکه ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی قبل از شکل‌گیری یک ملت با هویت خاص آن شکل گرفته است [یعنی دولت‌سازی قبل از ملت‌سازی به‌وقوع پیوسته] از این رو، سیاست‌مداران این رژیم به دنبال پی‌گیری سیاست «هویت‌سازی» با هدف «شناسایی» و انباشت قدرت، بهبود توانمندی و کارآمد نشان دادن نظام سیاسی این رژیم می‌باشند از این رو، هویت‌سازی، پیوند تنگاتنگی با علت وجودی این رژیم دارد و تکرار ادعای «تهدید ایران هسته‌ای و تهدید بودن ایران شیعه برای قوم یهود» و «در پیش گرفتن ادبیات تهاجمی در مقابل ایران»، به نوعی در راستای شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل و مظلوم‌نمایی در خارج است. البته بایستی در نظر داشت علی‌رغم تلاش‌های ایران‌هراسانه رژیم صهیونیستی که نشأت گرفته از هویت نژادپرستانه و ماهیت غصبی این رژیم است درک نارضایتی از اقدامات این رژیم بر ضد فلسطین در منطقه و جهان در حال شکل‌گیری است و راهبرد ایران‌هراسی هسته‌ای این رژیم، از بار فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به این رژیم برای پایان دادن به توسعه‌طلبی در اراضی اشغالی نخواهد کاست.

فهرست منابع

- آقاحسینی، علیرضا؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۴). تحلیل کانستراکتیویستی تکرار ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره دوم.
- احمدی، بهزاد (۱۳۹۴). فضای پسابرجام و راهبرد سیاست خارجی ایران؛ منطقه‌گرایی یا جهان‌گرایی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- افضل‌ی، رسول؛ بدیعی‌ازنده‌ای، مرجان؛ زکی، یاشار؛ کیانی، وحید (۱۳۹۴). عناصر و مؤلفه‌های قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک انتقادی، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۳.
- ایرانی، محمد (۱۳۹۴). رویکردهای جدید رژیم صهیونیستی در جبهه عربی، همایش تحلیل کنش‌گری رژیم صهیونیستی در محیط راهبردی ج.ا.ا. تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- رستمی، فرزاد؛ طباحی‌مقانی، محمدجواد (۱۳۹۰). بررسی الگوی امنیتی منطقه خلیج فارس؛ پیشنهادها و راه‌کارها، فصل‌نامه خلیج فارس و امنیت، سال دوازدهم، شماره ۱۱۸.
- جوان‌شیری، امیرصدرا؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۸). مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا با تأکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۶۱.
- رژیم صهیونیستی چگونه ایران‌هراسی را ترویج می‌کند؟ سایت خبری تحلیلی مشرق (۱۳۹۱)، ۱۲ مرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در:
<http://www.mashregnews.ir/news/135000>
- زکی، یاشار؛ کریمی، حسن؛ قالیباف، محمدباقر؛ اطاعت، جواد (۱۳۹۸). اخوان‌المسلمین و قلمروسازی آن در جغرافیای سیاسی جهان اسلام، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۱، شماره ۳.
- متقی، افشین (۱۳۹۴). واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌انگاری، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۲.
- مهرعطا، رضا (۱۳۹۵). ایران و عربستان سعودی رویکرد تقابلی - تعاملی، مجموعه مقالات همایش تحولات ژئوپلیتیک غرب آسیا با تأکید بر امنیت منطقه‌ای، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، جلد اول.
- عطائی، فرهاد؛ منصوری‌مقدم، محمد (۱۳۹۲). تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستر هویتی، مجله روابط خارجی، شماره ۱۷، بهار.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱). سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست، تهران، سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.

- مرادی، روح‌الله (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی و منافع ملی ایران و عربستان در عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۵)؛ فهم کانستراکتیویستی امر سیاسی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم.
- Anchal, Vohra, (2021) "Israel's Attacks on Iran Are Not Working", Foreign Policy, <https://foreignpolicy.com/2021/04/27/israels-attacks-on-iran-are-not-working/>
- Aneja, Atul (2014) Saudi Arabia-Iran Cold War after the Arab Spring: Implications for Gulf-India Ties, Gulf Research Center. PP. 91-98.
- Ari, Heistein and Eldad, Shavid (2020), How Israel Should Prepare for Biden's New Approach to Iran, foreign policy, NOVEMBER 25: <https://foreignpolicy.com/2020/11/25/how-israel-should-prepare-for-bidens-new-approach-to-iran/>
- Avner Cohen, Israel and the Bomb (New York: Columbia University Press, 1998), p. 54
- Ayoubi, Mostafa El (2019) "The Reasons For Israel's Fear Of Iran, <https://www.southworld.net/the-reasons-for-israels-fear-of-iran>.
- Avner Cohen, "Crossing the Threshold: The Untold Nuclear Dimension of the 1967 Arab-Israeli War and Its Contemporary Lessons," Arms Control Today 37 (June 2007), www.armscontrol.org;
- Avner Cohen, "Nuclear Arms in Crisis under Secrecy: Israel and the 1967 and 1973 Wars," in Planning the Unthinkable: How Powers Will Use Nuclear, Biological and Chemical Weapons, eds. Peter Lavoy et al., (Ithaca: Cornell University Press, 2000), 112-113;
- Baker, Peter (2020) "U.S. Finalizes Deal to Give Israel \$38 Billion in Military Aid", The New York Times, <https://www.nytimes.com/2016/09/14/world/middleeast/israel-benjamin-netanyahu-military-aid.html>.
- Brussels, Amman (2017) "Identity Crisis: Israel and Its Arab Citizens", Crisis Group, <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/eastern-mediterranean/israelpalestine/identity-crisis-israel>.
- Burr, William; Cohen (2016) "Israel's Secret Uranium Buy". Foreign Policy.
- Beauchamp, Zack (2018) "What are Israel and Palestine? Why are they fighting? Vox, <https://www.vox.com/2018/11/20/18080002/israel-palestine-conflict-basics>.
- Beauchamp, Zack (2018) "Trump's withdrawal from the Iran nuclear deal, explained" vox, <https://www.VOX.COM>.
- Cohen, S.B. (1991). "Global Geopolitical Change in the Post – cold War Era. Annals of the Association of American Geographers, Vol.81, No.4, PP. 551 – 580
- Collins, J., 2000, Military Geography, Washington, D.C. (USA): National Defense University
- Dalia, Dassa Kaye (2020) "Israel's Evolving Iran Policy", Journal Survival.
- Dodds, K., 2000, Geopolitics in a Changing World, Pearson Education Limited, England.
- Global Politics and Strategy, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338>.
- Elaine M. Grossman, "U.S., Russia Clash over Mideast WMD Talks Delay," Global Security Newswire; "Mideast Nuclear Talks Called Off," Associated Press, 12 November 2012; www.nti.org.

- Farr, Warner D (2013) "ISRAEL'S NUCLEAR WEAPONS", Air University, <https://fas.org/nuke/guide/israel/nuke/farr.htm>.
- Farrel, Stephen (2020) "What's in Trump's Middle East peace plan", Reuters, 28/01/2020 (accessed on 03/02/2020 at <https://reut.rs/2OoM96k>).
- Feltman, Jeffrey (2019) "The New Geopolitics of the Middle East: America's Role in a Changing Region", Brookings Institution, https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2019/01/FP_20190107_new_geopolitics_of_mena_final.pdf.
- Howard, Roger (2015) "Why Israel fears an Iranian bomb", https://www.researchgate.net/publication/233480676_Why_Israel_fears_an_Iranian_bomb.
- "Israel Says Won't Attend WMD-Free Middle East Meeting," Global Security Newswire, 20 September 2012, www.nti.org.
- Keinin, Herb (2018) "Amid Shifting Regional Sands, Mullen Reaffirms US-Israeli Strategic Ties," Jerusalem Post, February.
- Katzman, Kenneth (2020) "Iran's Foreign Policy", Congressional Research Service, available at: www.fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf.
- Lamarque, Kevin (2020) "What Is the Iran Nuclear Deal? Council on Foreign Relations, <https://www.cfr.org/backgroundunder/what-iran-nuclear-deal>.
- Landler, Mark (2021) "Trump Abandons Iran Nuclear Deal He Long Scorned", The New York Times, <https://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>.
- Lake, Eli (May 2017), Trump Looks for Opportunities in the Middle East Crisis, Peace between Israelis and Palestinians, <https://www.bloomberg.com/view/articles>.
- Mousavian, Hossein (2018) "Building on the Iran Nuclear Deal for International Peace and Security" *Journal for Peace and Nuclear Disarmament*, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/25751654.2017>.
- PARSİ, Rouzbeh (2020) "State of play of EU-Iran relations and the future of the JCPOA", *DIRECTORATE GENERAL FOREIGN POLICIES*, [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2020/603515/EXPO_IDA\(2020\)603515_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2020/603515/EXPO_IDA(2020)603515_EN.pdf).
- Shannon, Tom (2016) "U.S., Israel Sign Historic 10-year, \$38-billion Military Aid Deal", <https://www.haaretz.com/israel-news/u-s-israel-sign-historic-10-year-38-billion-military-aid-deal>.
- Spetalnick, Matt (2019) "U.S., Israel sign \$38 billion military aid package", Reuters, <https://www.reuters.com/article/us-usa-israel-statement-idUSKCN11K2CI>.
- Steven, Simon (2018) "Iran and president Trump: What's the Endgame?", *Survival*, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338.2018.149497560>.
- Roshan, Arisa Roshan (2019) "Israel and Iran: A Dangerous Rivalry", the RAND National Defense Research Institute https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2011/RAND_MG1143.pdf.
- Smith, Anthony D (2011), *Nationalism*, London, Polity Press, p 77
- Sachs, Natan (2018) "Israel and Iran's Role in the Middle East", Brookings, <https://www.brookings.edu/testimonies/israel-and-irans-role-in-the-middle-east>.
- The latest estimate of Israel's plutonium stockpile draws from the International Panel on Fissile Material's estimate as of January 2013, <http://fissilematerials.org>.

Tuathail,S

(2019)"BalanceofPower",MerriamWebster,<https://www.politicalscienceview.com/balance-of-power>.

- Wendt, Alexander (1992), "Anarchy is what States make of It: The Social Construction of Power Politics", International Organization, Vol. ۴۶, No. 2.
- Wright ,Martin (2020)" Balance of Power: Meaning, Nature, Methods and Relevance"
<https://www.yourarticlelibrary.com/international-politics/balance-of-power-meaning-nature-methods-and-relevance/48482>.
- Wendt, Alexander (1995),"Constructing International Politics", International Security, Vol. 20, No. 1
- <http://zionism.pchi.ir/show.php?page=contents&id=10425>
- <http://www.fardanews.com/fa/news/197224>
- <http://fararu.com/fa/news/259582>
- <http://www.yjc.ir/fa/news/6078029>

